

دوره هفتم، سال اول، شماره ۷۱
پخش به ۲۹ هزار ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریال

حزب توده ایران
راه حل مسالمت
آمیز و مبتنی بر
رفع ستم ملی از
خلق کرد رایگان
راه حل مسئله
کردستان میداند
و آماده است در
این راه، با تمام
نیرو و امکانات
خود، به دولت
موقت جمهوری
اسلامی ایران
صادقانه باری کند

رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، گفت: همه با هم در ایجاد جبهه متحد خلق برای ثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب عظیم تاریخی ایران به پیش!

**جبهه متحد
خلق، یگانه
ضامن پیروزی
قطعی و نهایی
انقلاب است**

توده ایها پرچم مبارزه را
همواره برافراشته نگاه
خواهند داشت

دستاوردهای انقلاب
عظیم اند

ضد انقلاب فعال است
صفحات ۳ و ۴

اشعاری از رفیق احسان
طبری، رفیق شهید جعفر
و کیلی و د.ع. دریاه
صفحات ۳ و ۴

شکوفه هایی از
باغ هزار شکوفه
حزب توده ایران
صفحه ۳



رفیق کیانوری که آمد، انبوه جمعیت از جا کنده شد. هزاران دست، مشت شده، هزاران صدا هلهله، يك صدا، صداها شد، صداها شور و سرود بود. صداها درود به رهبری حزب بود. در عکس رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و رفیق تقی کیمنش عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران با بلند و مشت های بسته به نشانه اتحاد، از جمعیت سپاسگزاری می کنند.

واقع بینی ایجاب می کند که مذاکرات سیاسی، تابو قراری آرامش در کردستان، ادامه یابد

منطقی واقع بینانه سرعت بربر خورد به حوادث دردناک کردستان حاکم میشود. با کلید منطق، یعنی مذاکره و رسیدن به راه حلی ممکن برای پایان دادن به برادر کشی در کردستان، قللهای بسته، یکی بعد از دیگری، در این منطقه جنگ زده میهن ما، گشوده میشود.

اخیری که در روزهای گذشته درباره گشایش باب مذاکره بنظر یافتن يك راه حل سیاسی برای پایان جنگ در کردستان میرسد، همگی حکایت از این تلاش و پیشرفت منطق واقع بینانه دارد.

بر اساس اخبار منتشره، آقای فروهر، وزیر مشاور دولت موقت جمهوری اسلامی، تاکنون مذاکراتی را با نمایندگان خلق کرد انجام داده است. مطالبی که در همین جهت، یعنی پایان دادن به برادر کشی از راه مذاکرات سیاسی و تامین خواسته های منطقی و به حق خلق کرد، از سوی پاره ای از رهبران کرد نیز مکرر عنوان شده است، امیدواری را بیشتر میکند.

حزب توده ایران، بعنوان يك حزب مسئول که عمقاً به سر نوشت انقلاب بزرگ ایران دل بسته و از هیچگونه تلاشی برای تحکیم دستاوردهای آن کوتاهی نکرده و نخواهد کرد، دست در لفظاتی که محافل معینی با دامن زدن به احساسات مردم، زمینه جنگ در کردستان را فراهم میکنند و عوامل راستگرا حمله خود را به آزادیهای دمکراتیک آغاز کرده بودند، نظری را اعلام داشت که اکنون مورد توجه محافل وسیع اجتماعی قرار گرفته است.

حزب توده ایران بدرستی اعلام داشت که با اعلام آتش بس، جلوگیری از اقدامها و شروع مذاکرات واقع بینانه و مسیما نه و تامین حقوق مشروع خلق کرد در چار چوب تمامیت ارضی ایران، میتوان و باید صف ضد انقلاب را از صف خلق کرد و همه مردم ایران جدا کرد و بیاری خلق کرد و همه مردم ایران ضد انقلاب را، که

پس از بیرون رفتن سپاه پاسداران از شهر انزلی و وعده هالی که به صیادان و مردم داده شده، اوضاع بطور کلی آرام گزاش شده است، اگر چه شهری که بدون هیچ دلیل ظاهراً معلولی، بر اثر يك برخورد خونین، ۱۳ کشته داده باشد، نمیتواند آرامش کامل خود را بفوریت بازیابد. روز جمعه، جمعیت کثیری، بصورت سوگواری، دست به راه پیمایی زدند و بسوی گورستان شهر رفتند. آنها تصاویر بزرگ امام خمینی و آیت الله طالقانی را با خود حمل میکردند.

بیش از پیش روشن میشود که در رویدادهای انزلی نیز دستهای مرموزی در کار بوده، تا حادثه آفرینی کند و از يك مسئله تدبیری، که میتواند به سهولت و با تمام مقابل حل شود، يك ماجرای خونین، با فریاد يك کانون تازه و خامت و تشنج در کشور ما ایجاد کند. بدبختانه ماجرای خونین روی داد، ولی خوشبختانه بهداری مردم انقلابی ما و کوششهایی که بعمل آمد، مانع شد که انزلی، يك مرکز تازه تحریک و زمینه آماده ای برای سیمه بازی امپریالیستها و ارتجاع زخم خورده بدل شود. در یاد آرندنی بدرستی این نکته مهم را مورد تأیید قرار داد

حزب توده ایران، که با انکیزه خدمت با انقلاب بزرگ ایران، در طرح راه حل مسالمت آمیز و عادلانه مسئله کردستان پیشگام بوده و آمادگی خود را جهت کمک صادقانه به دولت موقت جمهوری اسلامی هر روز تکرار میکند و اختیار و نفوذ خود را به وثیقه این نیت خیر قرار میدهد، بسیار دیگر تأکید میکند که جنگ برادر کشی را همین امروز، و همین ساعت و همین دقیقه بسایند برای همیشه پایان داد، فننگها را کنار گذاشت، و در فروغ چراغ برادری و انسانیت در پشت میز مذاکره نشست و با خورد و مشاوت و فداکاری در احوال مسئله را پیدا کرد. ما از همه کسانی که در این امر تأثیری و نقشی و نفوذی دارند، در هر مقام و منصبی، انتظار داریم که آنها نیز چنین کنند. هم قلممان خود را در جراید کشور و رسانه های گروهی فرا میخوانیم که علیه خط مشی ادامه جنگ برادر کشی و در راه پیروزی خط مشی صلح و اتحاد و برادری مبارزه کنند. صلاح کشور ما و انقلاب بزرگ ایران در اینست نه چیز دیگر.

مردم انزلی در انتظار اقدام هشیارانه و قاطع به سود انقلاب هستند

که، هر فریاد حقیقی را نباید ضد انقلاب خواند و با کلوله به مقابله آن رفت، بلکه باید از طریق حل مسائل واقعی موجود، جلوی تحریک، جلوی حادثه آفرینی، جلوی اقدامات ضد انقلاب را، که از هر ناراضی و عکس العمل نا بجا و خشن سوء استفاده میکنند، گرفت. صیادان بنده انزلی و فغانیان و حومه، طی اطلاعیه ای، از کوششهایی که انجام میشود تا اذعان ملت ایران را از واقعت موجود منحرف نماید، و از مسئولین بی تفاوت که تحریک طاغوتی با شیر جان نشان عجب است، پرده بر میدارند و آنها را «مسئین حوادث تأسف بار چند روز اخیر» میخوانند. صیادان

در این اطلاعیه، از انقلاب بزرگما و از «رهمنمودهای زعم عالمقدر امام خمینی» قاطعانه پشتیبانی میکنند و میگویند، «سودجویان خود پرستان دسیسه گران شیطانی را در هر لباسی و هر مقامی که باشند رسوا خواهیم نمود».

از سوی دیگر، معلوم میشود که وزیر کشاورزی، قبل از حوادث، در ملاقات با فرماندار و صیادان، سر احتیاجات آنها حق بیان شده را رد کرده و اصلاً بحرف آنان بقیه در صفحه ۲

تره کی، حتی اگر يك سیاستمدار عادی نیز بود، آن اندازه تا آزموده نبود که تفهید که ترور يك مرجع بزرگ روحانی اسلامی در کشوری که در آن جمهوری اسلامی برقرار است، جز يك تحریک فجیع و سراپا مضر چیز دیگری نیست. مارکسیستهای اسبیل، در همه جهان، در جستجوی یافتن زبان مشترک با برادران منعی خود هستند و این را درک میکنند که عمل آنها باید در جهت اتحاد و سازندگی باشد نه برعکس. چگونه ممکن است نور محمد تره کی این مطالب القابنی را تفهیمد باشد؛ خویست ما برای دیگران نیز جوی عقل قائل شویم. این کاملاً ممکن است که محافل منفه جوی امپریالیستی، برای تحریک مسلمانان ایران، برای بر آشفته ساختن شخص آیت الله العظمی شریعتی، برای تبدیل این جریان به بهانه ای برای تهمیب مردم علیه افغانستان علیه نیروهای چپ، اتفاقاً نه از روی در با تمام این و آن اجبر کرده باشند.

آیت الله العظمی شریعتی در مصاحبه اختصاصی با کیهان از جمله نامه ای بنام ایشان در روزنامه در صفحه ۲

چرا و چگونه افکار عمومی را از مبارزه بر ضد امپریالیسم، دشمن اصلی و واقعی خلق ما منحرف میسازند؟

روزنامه کیهان، در شماره ۲۴ شهریور ماه، با جراحی وجود ندارد، در سراسر صفحه اول، از توطئه ترور آیت الله العظمی شریعتی خبر داد. این روزنامه کلیه شوه های روزنامه نگاری را برای هر چه بیجان انگیزتر ساختن این خبر در همان صفحه اول بکار برد.

کسانی که بکار روزنامه نگاری آشنا هستند، یکبار دیگر بر گردند و این صحنه را تماشا کنند و به حق بطنی این روزنامه آفرین گویند که چگونه میتوان به شرب بحروف، واقعه ای را پدید آورد.

خود آیت الله العظمی شریعتی در این مورد صیادان به کوهان، درباره این حادثه چنین گفت: «بعد از اینکه از مشهد حرکت کردیم، فرماندهان امری مشهد به منزل ما تلفن کرد و اطلاع داد که از طرف رژیم افغانستان توطئه ای در شرف تکوین بود و قرار بود که این طرح توسط چند تبعه افغانی، روز بعد از حرکت من به مرحله اجراء در آید. سپس گزارشی از شهر یانی تهران رسید، حاکی از آنکه ۳ تا ۶ نفر افغانی مامور ترور ما شده اند، که یکی از

آنها بدام افتاده است.» در اینکه آیت الله العظمی آنچه را که شنیده اند، نقل فرموده اند، محل تردید نیست. ولی خواننده ناچار از خود میپرسد، چگونه حادثه ای که مربوط به ایام توقف حضرت آیت الله، در ماه مبارک رمضان، در مشهد مقدس است، اکنون برملا میشود و آیا زانده امری مشهد و شهر یانی تهران دلایلی در دست دارند که این ترور استیهای افغانی را شخص نور محمد تره کی و دولت افغانستان به ایران کسول داشته است؟

مطبوعات و رادیو ایران در اخبار خارجی خود (درست بسبب رادیوهای غربی، که در زمان خود برای تحریک افکار عمومی مرتباً از دولت مارکسیست آلمانیه دم (موزدند) چپ و راست از دولت مارکسیست تره کی سخن میگویند، اگر تره کی «مارکسیست» بود، پس باید بداند که يك مارکسیست هرگز، طبق اصول فلسفی و علمی که بدانها معتقد است، آن اندازه گمراه نیست که تصور کند ترور فردی بتواند مسئله ای را حل کند، آنهم ترور يك شخصیت بنام روحانی، در کشوری که در کشاکش يك انقلاب عظیم است. آری،

کمیابی حربه برنده ضد انقلاب

کار کمیابی بسیاری از ضروری ترین و ابتدایی ترین نیازمندیهای زندگی پیوسته بالا میگیرد و بحد یک نوع هرج و مرج مخاطره انگیز توسعه می یابد. در همان لحظاتی که گوشه و کنار کشور ما در آتش تحریکات خونین دشمنان سوگند خورده انقلاب و کارگران درنده خوی سیا - موساد - ساواک میسوزد و خرمن زندگی فرزندان میهن ما را خاکستر میکنند، این دشمنان در جبهه های دیگر نیز با تمام نیرو حمله میکنند، و در هر جادوستان برسد، کار را به آشفتگی و بی سامانی میکشاند.

یکی از عمده ترین این جبهه ها، عرصه نیازمندیهای بدنی و حیاتی مردم است. تخم مرغ نایاب است. گوشت بستم مردم نهمرسد، روغن نباتی نیست. برای بدست آوردن قند و شکر باید هزار در زد. انواع پودرهای رختشوئی و مایعات ظرف شویی حکم کمیاب را پیدا کرده است. دارو برای درمان هزار درد زجر دهنده مردم پیدا نمیشود. بسیار بدیهی است که در چنین شرایط و احوالی، جاسوسان حرفه ای

منتخب بهمان محافلی که خود عامل تشدید این کمیابیها و نایابیها گردانی ها هستند، مانند انواع خبیثه بین مردم پرمیمنتند و این زمزمه های نامیون را بکوش آنها میخوانند که، این هرج و مرج و گران و کمیابی و نایابی محصول انقلاب است. در مقابل این چنین مخاطراتی، متأسفانه دولت تاکنون هیچ راه حل قاطعی، حتی بدان حد که مردم را امیدوار کند که امروز و فردا را دندان بروی جگر بیاورد

گذشت بخاطر يك پس فردای روشن تر و امیدبخش تر، ارائه نداده است. هیچکس کوچکترین تردیدی ندارد که اصولاً هر چه اقتصاد در تمام زمینه ها، یکی از لنتی ترین میراث های نامیونی است که از رژیم فاسد و تاراجگر گذشته برای دولت انقلاب باقی مانده است. ولی در عین حال، با تاسف تمام باید اضافه کرد که، آنچه باین وضع میدان داده و آنرا توسعه بخشیده است، جزست کاری و عدم قاطمیت در برابر دشمنان داخلی و خارجی هیچ چیز دیگری نیست.

ما از یکسو با محاصره اقتصادی دشمنان خارجی انقلاب، یعنی کشورهای امپریالیستی، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، روبرو هستیم که هر ساله از برکت همکاری نزدیک با خاندان ننگین پهلوی، با سران جنایت پیشه دولتهای شاه مخلوع و مقامات عالی رتبه ای دولتی و مالی کشور، و به بهای فقر و فلاکت و عقب ماندگی میلیونها مردم زحمتکش، میلیاردها دلگشا میزورند و انقلاب بزرگ مردم ایران دست آنها را از این سفره گشاده کوتاه و آنها را بخون ما تشنه کرده است. یکی از عوارض و نتایج این محاصره را در بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۴
 در بالای عکس با حروف درشت نوشته بود:
«خاطر تابناک افسران توده‌ای جاودان باد»
 جوان فریاد میزد:
 - شهدا در تمامه سرداران خلق ما...
 رهگذری که یک شماره «مردم» را خریده بود، به جوان گفت:
 - محکم تر فریاد بزن... این حق است که هنوز ادا نشده.
 پسر مردی که دست دختر کوچکش را در دست داشت، ایستاد و به عکس خیره شد.
 جوان روزنامه را جلوی چشم‌های او گرفت و گفت:
 - یک روز همه اینها را خواهند شناخت.
 پسر مرد جواب نداد. خیره و مات به عکس شهدا، در سحرگاهان تیرباران نگاه میکرد.
 جوان روزنامه فروش گفت:
 - می شناسی ایشان؟
 جوان تکرار کرد: «مردم» که موهای سرخ تنیدی داشت، از پشت سیل‌های ملایمی پریشانش به طمطمه گفت:
 - اگر هم شناسی، چیزی از دست ندهادی.

تابلوی زنده‌ای در خیابان ...
 پسر مرد با چهره عبوس طرف او برگشت.
 پرسید:
 - تو اینجا را میشناسی؟
 - اینها را نه، اما حزب توده را آری.
 پسر مرد، در حالیکه به عکس شهدا اشاره میکرد، با صدایی که می‌لرزید، گفت:
 - حزب توده همین‌هاست. تو هر چند که ما را نمی‌شناسی.
 یک سکه ۱۰ ریالی در دست روزنامه فروش گذاشت و پیش از آنکه برود، دوباره به طرف جوان گستاخ برگشت با چشم‌های خاکستری رنگ سرخ، که در سایه ابروان یکدست سفیدش برق‌گشاده‌ای داشت، توی چشم‌های جوان سرخ‌موی دل زد. صدایش اینبار نه مرتعش بود، نه خشم‌گینی داشت.
 - به مردگان احترام بگذار، به مردگانی که...

بخود آئیم
ودوست و دشمن را بشناسیم
 کمیته مرکزی رأساً هیچ اقدامی نکرده است و دادسرای انقلاب دستور داده است.
 حجت‌الاسلام قدوسی اظهار بی‌اطلاعی میکند و میگوید هیچکس چنین مأموریتی نداشته است.
 پیادستغفین دستور میدهد که مهر و موم از خانه شاکری برداشته شود و رفیع تهرانی را که در اجرا نکرده بود است. حکم پاسداران نیز در تاریخ ۱۵ مهر، باین علت که حق دحالت در کارخانه و هر روز پاره‌های برمیافتد، بنیم که حرامی دیگری خود را در میان قافله‌سالاران جاذبه بوده است. و وای بر احوال آن قافله‌ای که به اعتماد حرامیان، راه بوابانی بر خط در پیش گیرد.
 در جرائد خوانندیم که دایلمانی نامی، کارمند دادسرای انقلاب تهران، مسئول مشکلاتی برای یک موسسه بازرگانی بوجود می‌آورد، تا بتواند ۲ میلیون تومان رشوه بگیرد. از جمله عده‌ای پاسدار مسلح بمنزل مدیر موسسه میریزند، منزل را زیر و رو میکنند آلبوم‌های عکس‌های خانوادگی را با خود می‌برند. اطفاها را مهر و موم میکنند. مستخدم را با خود می‌برند و هیچکس نمیداند بکجا؟ بعد مشروبی میکنند تا از او اطلاعاتی بدست آورند. سرانجام رئیس شرکت حاضر بیدار کرده با ایلپایوی حتماً داشته‌اند.
 این نوع توطئه‌ها در آبادی بسیار وسیع‌تر در استان در جریان است و در خوزستان و سیلوان در شرف تکوین، بخود آئیم و دوست و دشمن را بشناسیم.
 در ضمن بد نیست بدانید که، مسئولیت دیگر همین شخص، در زمان تصدی‌اش در دادسرای انقلاب تهران، سرپرستی مطبوعات کشور بوده است! از توفیق روزنامه «مردم» و دیگر روزنامه‌های دمکراتیک هم در دوران او روی داده است!

بقیه از صفحه ۱
 کمیابی و نایابی انواع داروهای مشاهده می‌کنیم. اطلاعات موثق ۱۸ مهرماه، از قول دکتر بخورداری، مدیر بیمارستان بازرگانان، می‌تواند:
 «در حال حاضر کمبود دارو در سراسر کشور محسوس است و تنها دلیل آنهم به این جهت است که کتای خارجی در فروش دارو با ایران خلاصه میشود. بعضی از شرکت‌های خارجی اصلاً داروهای صادرات نمی‌کنند، مثل شرکت انگلیسی «ارگانون» علاوه بر شرکت‌های خصوصی، که وظیفه خرید و تهیه دارو از تولیدکنندگان خارجی دارند، دوموسه دولتی نیز دارو با ایران وارد میکند. یکی شرکت سهامی داروئی کشور دیگری سازمان تدارکات شیر و خورشید... که وابسته سازمان بین‌المللی سلیم سرخ است.»
 ملاحظه میشود که با وجود تهداتی که انحصارات بزرگ داروسازی غرب، که تولید بهترین داروهارا در چنگال آورده، خود متمرکز کرده‌اند، در برابر شیروخورشید سرخ دارند، باز با کینه ددمنشانه نسبت با انقلاب ایران و بدون اعتنا به زندگی صدها هزار بیمار، بدون اعتنا با فکر عمومی مردم ایران و خشم و نفرتی که این شیوه پشیمانی در توده‌های مردم جهان ایجاد میکند، باز به پنهان‌های مختلف از صدور دارو با ایران انقلابی خودداری می‌ورزند. این نمودار گویائی است از ماهیت فاسد، گندیده و طفیلی نظام سرمایه‌داری، نموداری است از این واقعتی فرتانگیز و تکان دهنده، که چه رشته‌های استواری سرمایه‌داری بین‌المللی را به جبارترین و ضدملی‌ترین رژیم‌های پلیسی مانند رژیم محمدرضا، پیشروها و امثالهم پیروز و جوش میدهد، نموداری

کمیابی، حربه برنده ضد انقلاب ...
 است از این واقعتی که، چگونگی تمام ملاحظاتی اخلاقی و انسانی و همه آنچه که بدان «معنویات» می‌گویند، در برابر سودجویی سرمایه‌داران رنگ دوری می‌بازد و حتی با شیوه‌های ددمنشانه زیر پا گذاشته میشود. اینها هستند که چون منافقان ایجاب کند، و برای حفظ هدمستان خود در کشورهای از «جهان سوم»، که رشته بندگی خود را گسسته‌اند، «بنام حقوق بشر» جهان را بر ازوغوا میکنند.
 برای اینکه بدانیم وابستگی منافع طبقاتی سرمایه‌داران چگونه است، ملاحظاتی ملی و بیوندهای وطنی را در برابر خود بی‌جان و بی‌دقتی می‌کنند، پس دیگر این فاجعه می‌باید، بازار «اطلاعات» نقل می‌کنیم.
 «صاحبان و مدیران بعضی از شرکت‌های واردکننده دارو، که وابستگی خاصی بنظام گذشته داشتند، پس از انقلاب از انقلاب گریخته‌اند و داروهای که توسط این شرکت‌ها با ایران وارد میشد، اکنون با ایران نمی‌آید...»
 اطلاعات از قول دکتر جوان می‌تواند، بعضی از شرکت‌های خارجی فروشنده دارو بشرکت‌های داخلی وابسته به رژیم گذشته، بدلیل وابستگی‌های صوری، نیستی، حاضر نیستند طرف معامله با دولت ایران قرار بگیرند و با اصطلاح قسد دارند از نظر دارو، مردم مارا در مشقه قرار ندهند یعنی از شرکت‌ها نیز، بصورت اینکه کشور ایران از جهت اقتصادی دچار تزلزل شده است و قادر نیست به تهدات مالی خود عمل کند، ارفروش دارو بصورت نسبه خودداری می‌کنند. تبلیغات دروغ و

چوبدانی و چندنانی، میدونشان هستی. روزی خواهی فهمید... و راهش را گرفت و رفت. تاسفاتی همچنان عکس شهدا را از نزدیک جلوی چشم‌هایش گرفته بود. ده‌پانزده قدم دورتر، دستمال تکریم تمیزی را، که از سفیدی بزرگ میزد، از پیش بیرون آورد و بطرف چشم‌هایش برد.
 روزنامه فروش دوباره فریاد زد:
 - زندگیمان بیشتر اولان انقلاب ایران...
 و رهگذر سرخ‌موی، که شیطنت و شوخ‌طبعی‌اش را یک لحظه از دست داده بود، با قافله‌ای متفکر در عکس شهدا خیره ماند.
 من در همین تابلوی زنده و گذرا، در این صحنه تکلن‌دهنده، که تمامی آن در کمتر از یک دقیقه اتفاق افتاد، راز یک تاریخ را به عیان دیدم.
 این چه نیروئی است که صدای مردگان را، پس از ۲۵ سال هنوز چنین ترو تازه و زنده، به میان زندگان می‌آورد؟
 و حزبی که تنها با زندگان خود، بلکه با سپاهی از چنین مردگانی می‌جنگد، آیا میتواند حق نداشته باشد؟

ندانی‌کاریهای برخی از مصادر انشور هم رو بر رو هستیم. باین پرسشی که از وزیر کشاورزی در مورد کمیابی تخم مرغ شده و پاسخی که وی داده (جمهوری اسلامی، ۱۹ مهرماه) توجه فرمائید:
 «... در مورد تخم مرغ و مرغ در بازار زیاد است. وزارت بازرگانی جدیداً پنج هزار تن مرغ از رومانی خریداری کرده است»
 نشان میدهد که مرغ‌های تخم‌آبی ۱۱ میلیون و نهصد هزار در دسترس است و در فروردین ۱۳۳۳ میلیون و پانصد هزار و در همین ایام تینوزارت بازرگانی تخم مرغ وارد می‌کند و ما از وزارت بازرگانی خواست کردیم که وقتی تخم مرغ تمام شد، دیگر وارد نکنند، تا تخم مرغ گران شود برای تولیدکنندگان آن صرف داشته باشد...»
 ملاحظه می‌کنید میزان در یک مقام مسئول در دولت انقلاب را از حدود مسئولیتهای خطیر خود در برابر انقلاب، در قبال مردمی که سر نوبت زرق و ریزشان بدست این آقای وزیر سپرده شده است!
 و آیا این پاسخ وزیر کشاورزی خواننده ربابه داستان سعدی در باره فرمانروای مصر نمی‌اندازد که نقل و درایت او بحدی بود که چون کشاورزان محصولش آمده و شکایت سر دادند که محصول بی‌بهره‌ای آن‌ها بعلت بازاریابی وقت تلف شده است، وی فیلسوفانه سری تکلن داد و گفت: «پشم مهبایت کاشتن تا تلف نشدی!»
 چنین مسئولینی در برابر مردم مسئولند و این واقعتی را قبل از همه کسانی مانند آقای وزیر کشاورزی باید همیشه یاد داشته باشند.

مردم انزلی در انتظار اقدام هشیارانه وقاطع به سود انقلاب هستند

بقیه از صفحه ۱
 گوش نداد و با بی‌توجهی خود انگیزه اولیه پیدایش این ناراضایی و حوادث پیرامون آنرا ایجاد کرده است. فرماندار در این باره علیه وزیر کشاورزی، که روش‌های طاغوتی ضد زحمتکشان دارد و علیه مدیرعامل شیلان، که خود از نزدیکان درباره بوده و در «بازرسی شاهنشاهی» نیز انجام وظیفه می‌کرده، اعلام جرم کرده است. اما آقای وزیر کشور، که قاعدتاً میبایست بروشن شدن مسئله و تشخیص مسئولین و مسببین حادثه کمک کند، «طبق عادی اداری» راه‌انه آورده و گفته است که فرماندار نمیتواند علیه وزیر اعلام جرم کند! در شرایطی که، از همان بدو بر خورد و تیراندازی بدون دلیل و کشتار مردم، عده‌ای بسا تمند و بی‌وای خواستند کانون تحریک بپایزینند و بازم هم قسطی‌های زحمتکشان را محقر و اجزای مطالبات دهند و به موج راست گرائی دامن بزنند، حالاکه پرده‌انزوری

گوشته‌ای از حوادث بالا می‌رود، باید هشیارانه تر اقدام کرد و خواستهای حق مردم را در نظر گرفت. باید پند گرفت و دانست که جمله برداشته‌های چپ‌نمایانه، که میدان را برای هجوم راست گرایان و بهره‌برداری توطئه‌گران و ضدانقلابی‌ها باز می‌کند، گره‌از مشکل نمی‌کشد، بلکه بهانه بست طرف می‌دهد. باید پند گرفت که مشکلات واقعی و خواستهای حق را با انگشت تندیرو نه با دندان ۳- حل کرد. اینک کسه **بنفای اسلام آقای محمد جواد پیشوائی، از طرف امام خمینی** مأمور رسیدگی به وضع بند انزلی شده و سایر مراجع تقلید نیز جداگانه این مأموریت را تأیید کرده‌اند، مردم انزلی انتظار دارند که از درس‌خوین روزهای گذشته عبرت گرفته شود و هر چه زودتر، بخاطر منافع انقلاب و آزادی منطقه و اجرای مطالبات بحق زحمتکشان، تدابیر جدی و قاطع اتخاذ شود.

چرا و چگونه افکار عمومی را از مبارزه برضد امپریالیسم و دشمن اصلی و واقعی خلق ممانع‌حرف میسازند؟

بقیه از صفحه ۱
 «نیس» یاد کرده‌اند. اینهم سر دیگر همین بازی است که از آن سو و از این سو عمل شده، تا آتش مفسده‌ای روشن شود و شاید بتوان از این آتش دستی گرم کرد.
 از این قبیل نیرنگ‌ها در چنته‌ای امپریالیسم، سوا و اینتلجنسی سرویس فراوان است.
 چنانکه تجربه تاریخ بارها نشان داده است، امپریالیسم میتواند فاجعه بیافریند و آنرا با مهارت شیطان‌ی به نیروهای مترقی و قبل از همه کمونیست‌ها نسبت دهد، تا جایی که از اعمال با اصطلاح کمونیست حتی «اعتراف» هم بگیرد. از جمله توطئه حریق رایش تا کار زیاد داریم که چگونه فاشیست‌ها آنرا آغاز تا پایان، تدارک دیدند و به انجام رساندند، ولی آنرا با یک کارزار بین‌المللی به کمونیست‌ها نسبت دادند. از آن عامل حریق که گویا «کمونیست» بود، «اعتراف» هم گرفتند. چرا در برویم درواقه ترور آیت‌الله مطهری، با آنکه کمالات عوامل امپریالیسم و میونیسم و ابزار کار آنها، کرده قزاق - در این جنایت آشکار بود کسانی کوشیدند که کمونیست‌ها را به این ترور متهم سازند و جنجال بزرگ ضد کمونیستی برانداختند البته حقیقت هرگز برای همیشه پنهان نمی‌ماند.
 چنانکه هم جنایت فاشیست‌ها در حریق رایش تا اشد افشاء شد و دروغ آنها در مورد کمونیست‌ها برملا گردید و هم عوامل اصلی ترور آیت‌الله مطهری شناخته

توطئه جدید علیه انقلاب ایران

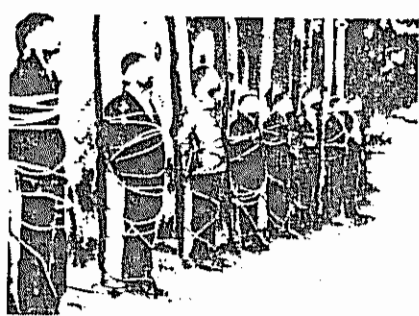
کارزار تبلیغاتی که مطبوعات غرب علیه انقلاب ایران ادامه می‌دهند، اخیراً با انتشار مجله‌ای بنام «ایران آزاده» وارد مرحله جدیدی شد. این مجله را جواد علامیردولو، یکی از سرسپردگان دربار شاه مخلوع اداره میکند و بزبان فرانسه منتشر میشود. گویا بزودی این مجله به زبان فارسی نیز منتشر ویسی‌تردید با بودجه و کمک شاه مخلوع و دیگر دشمنان قسم خورده خلق ایران پیش خواهد شد. تعدادی از اعضای متواری ساواک، خود را به ادو با رسانده‌اند، در کار انتشار و توزیع این نشریه دست دارند و باین طریق به همکاری باقی مانده خود در ایران کمک میکنند. تا انقلاب ایران را تضعیف و آنرا برای لحظه فرود ضربه نهائی آماده کنند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!
 حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه بخاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله یقینت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های انشاء، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما مطمئن داریم که انشاء، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.
 کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن‌های ۰۲۳۳۵۹۹۳۵۳۳۸ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمنش و به شماره ۴۳۳۳، شعبه ۶۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی (ایران نوین سابق) ب‌اندازند.

از انتشارات حزب توده ایران

عنوان
 گفتاری درباره امپریالیسم
 برخی مسائل حاد انقلاب ایران
 (مجموعه‌ای از مقالات منتشره در «مردم»)
 اقتصاد سیاسی (درستامه)
 ماتریالیسم دیالکتیک (درستامه - کتاب اول) امیر نیک‌آئین
 ماتریالیسم تاریخی (درستامه - کتاب دوم) امیر نیک‌آئین
 چهاردهم درخشان
 داورهای بی‌جان و بیجا
 (مجموعه‌ای از اظهارات سیاستمداران و شخصیت‌های خارجی درباره کشور و احوال، در دو ان‌پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی آکتبر)
 حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران گفت: همه با هم در ایجاد جبهه متحد خلق برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب عظیم تاریخی ایران به پیش!

متن کامل سخنرانی رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در مراسم بزرگداشت افسران شهید توده‌ای، روز جمعه بعد از ظهر ۲۷ مهرماه ۱۳۵۸، در زمین چمن دانشگاه صنعتی :

رفقای عزیز! محبتی که شما نسبت به رهبری حزب ما نشان دادید، بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران، به نهایت از شما تشکر میکنم.
۲۵ سال پیش، اولین دسته‌آزادگروه قهرمانان حزب ما، بوسه رزمی منصورمحمدرضای خائن، به میدان اعدام فرستاده شدند. این قهرمانان، نه‌آزادگروه و نه آخرین قربانیهای جنبش رهاپیش ملت ما بودند. پیش از آنها، ملت ما برای استقلال و آزادی هزاران کشته و قربانی داده بود. از قبل از انقلاب مشروطیت، که درحقیقت آغازانقلاب ایران است، تا امروز، ملت ایران برای تامین استقلال، برای تامین آزادی، برای ایجاد ترمیم بنیادی دروضع زندگی زحمتکشان، همواره قربانی داده و مسلماً تا پیروزی نهائی قربانیهای بیشتری خواهد داد.

تاریخ انقلاب ایران، تاریخ قهرمانی ایرانیان است. در این تاریخ، قهرمانانی از ملک المتکلمین و صورتسرافیل گرفته تا ستارخان‌ها، باقرخان‌ها، خیابانی‌ها، کتلل محمد تقیخان‌ها، حیدرعمواغلی‌ها، فولادی‌ها، رازی‌ها و نظایر آنها در دوران رضاخان، در دوران بعد از رضاخان، در آذربایجان، داداش‌تقی‌زاده‌ها، ابراهیمی‌ها، آزادوطن‌ها، مرتضوی‌ها و در کردستان قاضی‌ها، در دوران اول فاشیست‌ها، پس از کودتای ۲۸ مرداد، از کوچک‌شوشتری‌ها و سالارخانین‌ها، زاکاریان‌ها و قهرمانان سازمان نظامی مانند سیامک‌ها، وکیلی‌ها، مشیری‌ها، محقق‌زاده‌ها، روزبه‌ها، حکمت‌جوها و نظایر آنها گرفته تا جوانانی مثل رضایی‌ها، لژیایی‌ها، بیگوندی‌ها، کتیرانی‌ها، جزئی‌ها، سیاه‌ایس قهرمانان را بر کرده‌اند.

ما همه آنها درود می‌فرستیم و مطمئن هستیم که مبارزان توده‌ای، با همان عشقی که آنها به راه طبقه کارگر داشتند، به راهی که استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی را تامین خواهد کرد، با همان اعتقادی که آنها داشتند، پرچم آنها را تا آخرین لحظه زندگی خود برافراشته نگاه خواهند داشت. مبارزان توده‌ای ما، که شما قسمی از آنها هستید که در اینجا گرد جمع شده‌اید، برای یاد بوشان این پرچم را در اهتزاز نگه خواهید داشت و تا پیروزی قطعی و نهائی به پیش خواهید رفت.

توده‌ایها پرچم مبارزه را همواره برافراشته نگاه خواهند داشت

حزب توده ایران سوهفتمین سال زندگی خود را ۱۷ روز پیش شروع کرد. تمام این ۳۸ سال عمر بهترین سازمان سیاسی امروز ایران، و بدون تردید، به تجربه‌ترین سازمان سیاسی امروز ایران، بر است از مبارزه برای یک هدف بدون تزاسل، با یکپارگی همیشگی، توده‌ایها به سمت این هدف مقدس، هدف استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی به پیش



اگر ای مردك نامرد به شلاق سکوت

بنابه خواهش عده زیادی از خوانندگان، شعر رفیق شهید وکیلی، که در آستانه شهادت سروده است، و در مراسم بزرگداشت شهادت افسران توده‌ای در روز ۲۸ مهرماه، خوانده شد، در زیر تجدید چاپ میشود.

اگر ای شاه بیادبیزیم از چوبه دار یا بنزاری بسرم همچو دد آدمخوار یا کنی طعمه سرنیزه تنم را سد بسار یا که چون شمع بسوزانیم اندر شب تار یا خاکستر من طعمه زند بر ره باد : «که بر این شاه فرورمایه دون نقرت باد»
اگر ای شاه، من و همسر زیبای مرا در سحر هدیه کنی چند کل سرب منداب یا سم اسب یکویی بس و سینه ما یا شوی مست زخون من واو جای شراب صبح فردا بسرم یا ز بتواند بسرود : «که ببوشیاری حزب پدرم باد دروه»

رفته‌اند. آنها در این راه از مشکلاتی بسیار دشوار عبور کرده‌اند، مجبور شده‌اند از بیخ و خضمای بسیار مشکل رود شوند، در نبردهای بسیار سخت درگیر شده‌اند، زمین خورده‌اند، دست و پایشان شکسته، خونین شده‌اند، ولی باز برخاسته‌اند، پرچم را بدوش کشیده‌اند، به اهتزاز در آورده‌اند و پیش رفته‌اند.

۳۸ سال مبارزه ما، ۳۸ سال نبرد همیشه‌خونین با ارتجاع و مستکاران بوده است. امروز هم ما در نبرد بسیار دشواری با امپریالیسم و صهیونیسم و بقایای رژیم گذشته، با بقایای ساواک در ایران، با دشمنان رنگارنگ در کمریم و افتتاح داریم که در سنگر خودمان محکم ایستاده‌ایم و از مواضع خودمان با یکپارگی همیشگی دفاع میکنیم.
۳۸ سال ارتجاع خواست حزب توده ایران را ناسابود کند، نادرده بگردد، «منحله» اعلام بکند، ولی بالاخره خود آن ارتجاع منحل شد و حزب توده ایران با پایبندی ایستاد، یکی از مشکل‌ترین دورانهای فعالیت حزب ما، دوران



دستاوردهای انقلاب عظیم اند

این دستاوردها بسیار عظیم هستند. هستند نیروهائی که کوشش میکنند دستاوردهای انقلاب را، آنچه که تاکنون بدست آمده، کوچک بکنند، ولی واقعیت این است که آنچه تاکنون بدست آمده، بسیار عظیم است، چه از لحاظ سیاست داخلی، چه از لحاظ تغییراتی که در بنیاد اقتصادی جامعه شروع شده، و چه از لحاظ روابط ایران با دنیای خارج و موقعیت ایران در صحنه بین‌المللی.

مقاومه بکنیم ایران امسال را با ایران پارسال، چهل هزار دستیار آمریکائی تمام شئون اجتماعی ما را در دست داشتند، یکسان پیش، در همین موقع، ارتش ایران یکی از بهترین ارتشهای خونخوار جهان بود و بعد از ارتش آمریکا، مسلح‌ترین ارتش دنیای سرمایه‌داری بشمار میرفت. هر سال دهها میلیارد در آمد ملی ایران به باد میرفت، فقط برای خرید اسلحه، یا برای انتقال به بانکهای خارجی به حساب دزدان و غارتگران بزرگ. در ایران، زندانیهای ساواک مستقر بودند و این زندانیها از آزادبچه‌هاوان پر بود. مبارزان توده‌ای، که دور و بر من، ۲۵ سال زندان کشیده‌هایم ایستاده‌اند، کنار صدها هزار مبارز دیگر از کربلهای دیگر انقلابی در ایران، در زندانها زندگی می‌نمودند و مبارزه دشوار خودشان را ادامه میدادند. این وضع یکسان پیش بود. امروز ما می‌بینیم که آمریکاها از ایران بیرون رانده شده‌اند و بسیاری از قراردادهای تفکیک‌یافته شده، خرید اسلحه به مقدار بسیار زیادی لغو شده. کوشش میشود که در آمد نفت در جهت منافع ملت ایران صرف شود. در داخل ایران، همین اجتماع ما نشان دهنده تغییری است که در جامعه وجود آمده، یعنی نیروهای مترقی، گرچه بسیار سختی و دشواری‌ها رو برهنه‌اند، ولی امکان اینها پیدا کرده‌اند که تا حدی آزادانه نظریات خودشان را بین مردم بخش کنند. این تغییرات، تغییراتی عظیم است، با تمام نبرد باستی این تغییرات را تثبیت کرد، تحکیم کرد و گسترش داد. این است شعار روز هر مبارز راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی ایران. بخصوص ضرورت این شعار، که شما تکرار میکنید، شعار تشکیل جبهه متحدان برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، امروز بیش از هر روز دیگری در تاریخ هفت ماه گذشته احساس میشود، برای اینکه ما امروز می‌بینیم که انقلاب ایران با بحران خطرناکی در بر و است.

درست به مفهوم واقعی همین شعار جبهه متحد خلق، حزب ما بخشی نقش آن نیروهای انقلابی را که در برابر جاسوسان، زیر پرچم مذهب، زیر پرچم ملی، امام خمینی، و ادب موسدان مبارزه شده بودند، تشخیص داد، حزب ما بدستی نقش امام خمینی، را در این جنبش تشخیص داد و با تمام قوا برای تثبیت و گسترش این جنبش برای پیش بردن انقلاب، برای تحکیم رهبری امام خمینی با سایر نیروها و صمیمانه و صادقانه همکاری کرد. امروز می‌بینیم که این همکاری، این همدوشی ما در مبارزه با سایر نیروها، چه موهوب‌های شهری بسیار آورده است. علیرغم تمام سازشکارهای بخشهای سازشکاری که در جنبش انقلابی شرکت کردند و به تثبیت از منافع طبقه‌ایشان، هم قبل از انقلاب و هم پس از انقلاب، میکوشیدند که این جنبش انقلابی را در چارچوب تنگ منافع طبقاتی خودشان محصور کنند، انقلاب از روی آنها رد شد. با نیروی زحمتکشان، با نیروی زرافه‌نشان، با نیروی کارگران نفت، کارگران ذوب آهن، کارگران تمام کارخانجات، اسرا ایران، با نیروی تمام جوانان مدارس و دانشگاههای ایران، با نیروی تمام فرهنگیان شریف و ملی ایران، انقلاب از روی آنها رد شد. جنبش انقلابی مردم ایران مترقی شد در همین دوران، با وجود تمام مقاومتهای نیروهای سازشکاری که در رهبری انقلاب هستند، با وجود تمام خرابکاریهایی که اعمال دشمن میکنند به دستاوردهای چشمگیری در انقلاب ضد امپریالیسم، در انقلاب دمکراتیک، در انقلاب

ضد انقلاب فعال است
ارتجاع ایران، به کمک پشتیبانان امپریالیستی و صهیونیستی، با تمام قوای خودش میکوشد از راههای گوناگون انقلاب را متزلزل کند، نیروهای انقلابی را مشتت کند، نیروهای انقلابی را به سر خود با هم نکشاند و از این راه، زمینه را برای یک تغییر بنیادی در داخل ایران، به نفع ارتجاع آماده کند. برای اینکار، ارتجاع از تمام عوامل خودش که در دستگاه

شکوفه‌هایی از باغ هزار شکوفه حزب توده ایران

هر اجتماع حزبی، باغی است که در آن هزاران شکوفه می‌شکفتد. آسمانی است که در آن هزاران ستاره می‌روید.

هر اجتماع حزبی، گلچین دیروز است و شکوفانی هزاران جوانه بر قلبها. جوانه‌هایی که فردا، درخت‌های تناور میشود.

هر اجتماع حزبی، اتحاد قلبها و نگاهها، پیمان دوسباره دستها و بازوهاست: گامی دیگر به سوی فردا.

هر اجتماع حزبی، دشواری راه دیروز را به روشنی نشان میدهد که سنک فاصله‌های گذر از آن، پیکر شهیدان است.

هر اجتماع حزبی، راه فردا را نشان میدهد. راه فردا، که با هم با دشواریها رو برو است.



اینجا گوشه‌ای از باغ هزار شکوفه، آسمان هزار ستاره است. به چهره‌ها بنگرید! انبوه کارگران و زنان جوانان، همه و همه در نگاه فرزندان خویش برای ادامه مبارزه پیمان می‌بندند.

پیامها

به مناسبت برگزاری ۲۵مین سالگرد شهادت گروه افسران عضو سازمان نظامی حزب توده ایران، اعضاء و هواداران حزب و سازمانهای مترقی در تهران و شهرستانها پیامهایی به کمیته برگزار کننده مراسم ارسال داشتند، از جمله،

فرقه دمکرات آذربایجان، سازمان اپالنی حزب توده ایران در آذربایجان، سازمان اپالتی حزب گروهی از کردهای هوادار حزب توده ایران در مرکز

گروهی از کارگران خیاط کرد هوادار حزب توده ایران مقیم مرکز

هواداران حزب توده ایران در سنندج

هواداران حزب توده ایران در سقز

هواداران حزب توده ایران در دانشگاه رازی کرمانشاه

هواداران حزب توده ایران در رودبار گیلان

هواداران حزب توده ایران در قصر شیرین

هواداران حزب توده ایران در قزوین

هواداران حزب توده ایران در لاهیجان و سیاهکل

هواداران حزب توده ایران در رودسر

هواداران حزب توده ایران در چالوس

هواداران حزب توده ایران در رامسر

سازمان حزب توده ایران در قالمشهر

سازمان حزب توده ایران در سمنان

هواداران حزب توده ایران در بوشهر

هواداران حزب توده ایران در شهرری

هواداران حزب توده ایران در لشت نشاء

هواداران حزب توده ایران در اراک

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (رشت)

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (آذربایجان)

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (اراک)

دانش آموزان هوادار حزب توده ایران از دبیرستان دارالفنون

سازمان جوانان و دانش آموزان دمکرات ایران

شعر از: احسان طبری

ای شاعری که شمع جوانیت شد خموش

ای شاعری که شمع جوانیت شد خموش در زیر آسمان غمین سینه دم پیشک نبود جان تو غافل زسیر کار روزی که هشتهای به سیبل طلب قدم

قلبی که بود منبع الهام و شعر وراز از جور خصم شد گل یولاد مامش چشمی که بود پرزنگاهی زمانه سنج آویخت مرگ پردهای تاری زروزش

طوفان وزید و شاخه نو خیز تو شکست وزیاغ عمر برگ وجود تو شد جدا رفتی بدان دیار کزان بازگشت نیست وان خاندان و خانه تپید شد ز کدخدا

پروانه‌ای که شیفته‌ی شمع روشن است پروا ندارد آنکه بسوزد وجود خویش شاعر که هست عاشق انوار زندگی تاگاه مرگ سر نکشد از سرود خویش

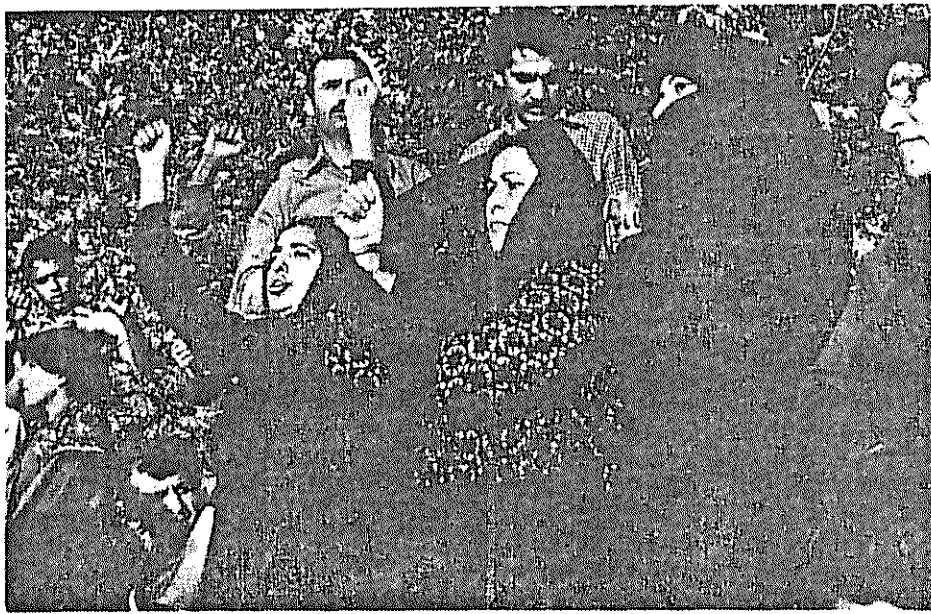
آنکس که شوربخت ترا خواند، برخطاست زیرا نبود راه سعادت سعادت است زیبایی و جوانی ورمز تو شعر توست وان شعر آخرین که سرودی «شهادت» است.

به همسر افسران شهید

سروده سال ۱۳۳۹

که یرب لب لرزشی بودت، به دل افسانه شومی؟ نظر کردی در آن چشمان که بودش سر مکتومی چراغت را نمان کردند در زندان تاریکی خبر میداد گوئی از بسلا و رنج نزدیکی تنش سوراخ و خونین بود چون دیدی دگرپارش که حیرت زاد و خاموشی فراق روح آزارش ... مرید آن شمع اندر آرزوی پاک خورشیدی که پیشاپیش مرگ او را تلرزانید تردیدی کلند آورد دشمن تا زداید نام پاک وی ، هنوزش کینه می‌آید به جسم چاک چاک وی ... زهی آن زن که او جاوید باشویش وفا کرده ! که شوی قهرمانت در رهش جانرا فدا کرده

به چشم شوی خود خواندی مگر راز نمانش را فشردی بسا تشنج دستهای پهلوانش را دریغا! تخت آوردند دیوانی نعوست پی همانا آسمان تیره و غمناک ماه دی بسرب تفته خستندش پس از زجر روانگامی نه در چشمان ترا اشکی، نه در سینه ترا آهی چو نوری سیمرتک افکند صبح تیره‌ی بهمن براه زندگی او را چنان امید بد روشن چو گورش رایباد عشق خود آساید میکردی بلی خونخوار خصم او ز فرط ناچوانمردی تراوشوی درخورید، تو اورایش درخور زن! برو مردانه در دنبال آن اندیشه‌ی روشن



حزب شهدا، قافله در قافله سیاهپوش دارد. مردانی که در خون خویش غلتیدند، تا راه توده‌ها هموارشود، پرچم مبارزه را به زنان، همسران و فرزندان خود دادند. درعکس ۳ تن از یازمانندگان شهدای حزب توده ایران به احساسات جمعیت پاسخ میدهند. آن شیرزن که در سمت چپ عکس ایستاده و با یاران حزب خویش پیمان می‌بندد، همسر آخرین شهید حزب توده ایران، آذرنوش مهدویان است.



این دو شعر را همانطور که از تاریخش پیداست، در هنگام قتل و عام افسران حزب توده ایران سروده‌ام. ۲۵ سال گذشته است. روی همان کاغذی که آنوقت نوشته بودم، میفرستم.

مردند همچو مرد

مردند همچو مرد، نه مانند خائون نه چون کسیکه زندگیش مرگ مدهت است نه چون کسیکه زندگیش نفرت است و تنگ یک لحظه زندگیش تنی و خواهر است. مردند و مرگشان نه شایسته برگ داشت هرغیبی، کز این گل افکار بر زمین صد شایسته برگ داشت و آنجا که اوفزاده بروید نهال کن. رفتند و رفتشان نه بر رفتن شبیه بود. گویا که زنده اند زیرا بجای خویش برشور و بردبار سدها نشاندند فریادشان هنوز بلرزاند، ای شکفت این شام تاروا در قلبها و خاطرها زنده می‌کند. این مرگ، این شهامت افسانه واردا.

این مرگ نیست، زندگی جاودانه است از سینه‌ی بسته شده نقل و همچنان در گوش مردمان هزاران هزار سال شیرین ترانه است.

افسانه است و قصه جاوید ماندن است مانند یک سرود و همانگونه بر لبین مانند یک ترانه لبریز عشق و کهن افسوس یک ترانه تا ته نخوانده است.

مردند همچو مرد، همانند آنکه او داند چگونه باید مرد و چگونه زیست و آنکس که مرگ بشناسد چون ندکی چندان زیاد نیست

ده و یک

ده ایستاده شهر ده مرد، ده جنازه و ده خون سرخ رنگ ده بومه از برای هزاران هزاراب ده سر که خم شده است ز سنگینی فرور ده مرد بین کور ده زن، بانظار ده قلب در لبین ده جان در روزگاف ده کوه لب، ده لب یک حرف، یک زبان یک راه، یک هدف.

تابلوی زنده‌های در خیابان

مضوی از خانواده عزیز توده‌ایه‌هاست. محتای را که میخوانم برایتان تصویر کنم. در ساعت نه و نیم صبح روز پنجشنبه گذشته، از نزدیک چشم خود دیدم. این ماجرا، با همه سادگی و طبیعتی بودتی، مرا از ریشه تکان داد زیرا در آن رازشکرف و نیرومندی حس کردم که حیف آمد عین آنرا برای شما ننویسم. جوان سرزنده، ویرانه‌ها، یابک بیل روزنامه مردم، از میدان انقلاب وارد خیابان کارگر (امیرآباد سابق) شد. فریاد میزد: ... شهادتنامه سرداران خلق ما... در صفحه اول روزنامه، عکس بزرگ افسران توده‌ای و دمیدان تور باران چاپ شده بود. چشمها بسته، بدن‌ها به تیرک اقدام پیکر شده، گردن‌ها افراشته، قامت‌ها استوار و رویشده، گوئی میخواستند بسوی آسمان زبانه بکشند...

در آن همدمت و تریک بودند، شربهای به نهال جوان آزادی ایران وارد آمد.

مخالف راستگرا، تحریکات و دستبندی که شد انقلاب در ایران کرد، حادثه‌ی راه، که امروز دیگر روشن است که به دست نیروهای ضد انقلاب بوجود آمده، بهانه کردند و حملی وسیعی را علیه آزادیخواهان آغاز کردند. روزنامه‌های حزب ما و سازمانهای دموکراتیک تعطیل شد. کلوب حزب ما را بدلیل آنکه مرکز روزنامه مردم هم در آنجاست، بستند. بابتیکه هیچ مقامی غیر قانونی بودن حزب ما را اعلام نکرد، ولی از فعالیت حزب ما جلوگیری کردند. در شهرستانها مراکز حزب ما را مورد هجوم و غارت قرار دادند. کتابخانه‌های حزب را به شیوه‌های فاشیستی آتش زدند. در استان مارا در نقاط مختلف کتک زدند. کارحتی به آنجا کشید که در کرمانشاه، یک دادستان انقلاب، به خود اجازه داد دو نفر جوان، جوانی مثل آذرنوش مهدویان را، که در رهرو خود به نیکنامی مشهور بود، قطع بچشم اینکه عضو حزب توده ایران است، بچرم اینکه گفته است من افتخار میکنم به عضویت حزب توده ایران، بچرم اینکه قبل از اینکه آخرین گلوله به طرف او آتش شود، گفته بود: زنده باد حزب توده ایران، اعدام کند. ولی این جریان نشان داد که نسل قهرمانانی که ما امروز برای ایادود بیست و پنجمین سالروز اعدامشان اینجا دور هم جمع شده‌ایم، با تمام قدرت خویش وجود دارد. هنوز جوانان ما، وقتی به جویه اعدام بسته میشوند، فریاد می‌زنند: زنده باد حزب توده ایران! اینها همانهایی هستند که بعد از مهدویانها هم پرچم را بدوش خودشان خواهند کشید، از تمام سنگلاخها عبور خواهند کرد، زمین خواهند خورد، خون خواهند شد، ولی باز بلند خواهند سرپا خواهند ایستاد و با سرود حزب توده ایران، پرچم را به پیش خواهند برد، تا پیروزی قلمی خلق ما در مبارزه علیه امپریالیسم و بخراب آزادی.

رقای عزیز! علیرقم همه این دستبندیها و تحریکات، حزب ما خونسردی خویش را در راهی که در پیش گرفته‌ایز دست نخواهد داد و با تمام نیرو در راه تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، برای همکاران با سایر نیروهای انقلابی، برای تشکیل جبهه متحد خلق، جبهه‌ای که همه نیروهای راستین انقلابی ایران، از هواداران راستین امام خمینی گرفته تا نیروهای چپ انقلابی راستین را در بر بگیرد، برای بوجود آوردن چنین جبهه‌ای که یگانه ضامن پیروزی ماست، تمام کوششهای خود را ادامه خواهد داد و مطمئن است که در این این کوشش بالاخره پیروزی را بدست خواهد آورد.

امیر یالیمم وارتجاع هر قدر هم که دستبندی کنند، موفق نخواهند شد انقلاب را که در ایران وجود آمده به عقب برگردانند. مردم ایران، با احساس خطر، دهر تبه دهر جمع خواهند شد، دستها را بدست هم خواهند داد. آن زنجیرهایی را که تا کنون را به عقب راندند، بوجود خواهند آورد و همه دستبندی‌های ضد انقلاب را با ناکامی و روبرو خواهند کرد. پیروز باد انقلاب ایران! شمار ما عبارت است از:

همه با هم در ایجاد جبهه متحد خلق برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب عظیم تاریخی ایران، انقلاب جمعه‌های ایران، انقلابی که

جبهه متحد خلق، یگانه ضامن پیروزی قطعی و نهائی انقلاب

برای چنین کاری جبهه متحد خلق یگانه وسیله است. بایستی همه نیروهای که در راه استقلال و آزادی ایران مبارزه میکنند و آماده هستند که تمام نیروی خود را در این راه بکار بیاورند، در این جبهه متحد شوند. برای این منظور بایستی از تاثیر نامموم برداشته گرایان انحصارطلبی، که میگویند نیروهای عظیمی از این جبهه را، در خارج از جبهه، در خارج از قدرت عملی جامعه نگهدارند، کاست، باید این نیروها را انجام زد. از این جهت است که ما با نگرانی شاهد وضع کنونی هستیم. ما با نگرانی اوضاع کردستان، حوادث بندر انزلی، اوضاع خوزستان و بیلوچستان را زیر نظر داریم چرا که برای اینکه مسئله مهم دیگری که در مقابل انقلاب ایران قرار داشته و لازم بوده است که از همان ابتدا، با تمام نیرو به آن توجه شود، مسئله ملی است، همانطور که شخصیت بزرگ انقلاب ایران، امام خمینی، از همان آغاز این مسئله را در نظر گرفت و شخصیت ددو و کبکظهر انقلاب ایران آیت الله قییدقا قانی، با تمام نیروی خود، تا آخرین لحظه زندگی به آن مشغول بود.

از این بردن ستم ملی خلقهای محروم آذربایجانی، کرد، عرب خوزستانی، بلوچ، ترکمن، که صدها سال است محرومیتها و گوناگون را بدوش میکنند، یکی از وظایف بزرگ اجتماعی ماست. این محرومیتها، در همه جا، نه تنها محرومیت ملی و فرهنگی است، بلکه با محرومیت اقتصادی عمیق توأم شده. مسئله ملی را انقلاب ایران میبایستی از همان آغاز، راه حل عملی و روشی برای پیش پیدا میکرد. با کمال تأسف، در نتیجه اختلال عوامل راستگرا، اختلال عوامل دشمن، که در همه جا هنوز جادارند، این مسئله حل نشد و با تمام کوشش که نیروهای آزادیخواه، نیروهای مترقی، برای حل این مسئله انجام دادند، بالاخره به این وضع بفرسید که امروز مشاهده آن هستیم، کهنه شد.

در پیوندهای که حزب توده ایران، در فروردین سال ۱۳۵۸، یعنی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، در مورد تشکیل جبهه متحد خلق کرد، بطور روشن حل مسئله ملی، بعنوان یکی از مسائل گری گسترش انقلاب ایران، مطرح شده و خواسته شده است که با اعطای خود مختاری و یا خودگردانی و هر اسم دیگری که میخواهند رویش بگذارند، به محرومیت خلقی های ایران در تعیین سرنوشت خودشان، در اداره خودشان، در فرهنگ خودشان، در زندگی خودشان، به ایران محرومیت صدها ساله، پایان داده شود و کشور ایران، بعنوان یک کشور آزاد، کشوری که بر پایه اتحاد داوطلبانه خلقهای مختلف استوار است، در منطقه و در تمام جهان شناخته شود. ما این پیشنهاد را کردیم و روی آنهم ایستادیم. ولی متأسفانه از یک ما و توهم پیش به اینطرف، چرخشی در سیاست مقامات حاکمه ایران پیدایشد و اقداماتی انجام گرفت که امروز خود آن مقامات تأسف انجام چنین کاری را میخورند. امروز پیشنهاد حزب توده ایران در مورد یگانه راه حل سیاسی - اجتماعی مسئله ملی، مورد پذیرش جبری همه نیروها قرار گرفته است.

رقای عزیز، ما امروز که اینجا جمع شده‌ایم، یک دوره بحرانی کوتاه، ولی دشوار زندگی حزبی خودمان را هم پشت سر گذاشته‌ایم. این دورانی است که در ۲۸ مرداد شروع

سخنان رفیق کیانوری

دولتی، در ارتش، در سایر نیروهای انتظامی، در زندگی اقتصادی هنوز دارد، با تمام قوا استفاده میکند. متأسفانه دولت انقلابی نتوانسته است دستگاه دولتی و ارتش و سایر نیروهای انتظامی را از این عناصر ارتجاعی، از یازمانندگان رژیم گذشته پاکسازی کند و اینها امکان پیدا کرده‌اند که با تغییر ماسک، بنام «انقلابی» علیه انقلاب توطئه کنند.

دستگاه قدرت کنونی وجود دارد، از اینکه خواستهای طبقات زحمتکش، خواستهای محرومان جامعه هنوز برآورده نشده‌اند و طبقات زحمتکش حتی نتوانسته‌اند هنوز دورنمایی برای برآورده شدن این خواستها در مقابل خود ببینند، عدم رضایت مردم روز بروز شدیدتر میشود و ضد انقلاب میکوشد که این ناراضیها را در جهت مبارزه با انقلاب مورد سوء استفاده قرار دهد، بدین جهت است که ما تصور میکنیم که تغییرات اساسی برای انجام آن خواستها، توده‌های وسیع مردم، دهها میلیون ساکنین شهر و ده، برای آن انقلاب کرده‌اند، برای آن جان داده‌اند، برای آن صدها هزار زخمی داده‌اند، بر زندان افتاده‌اند و امروز با تمام نیرو فداکاری میکنند، برای اینکه این انقلاب را به پیروزی قطعی و نهائی برسانند. به این خواستها بایستی هر چه زودتر پاسخ داده شود، گامهای اساسی باید برای برآوردن این خواستها برداشته شود، باید برای حل مسئله ارضی در دهات ایران اقدامات جدی بشود، باید کسانانی برای حل این مساله بر گام‌ها شوند که خود از مالکین درجه اول در نقاط روستایی ایران و آمریکا باشند. بایستی به خواستهای کارگران در کارخانجات در مورد تأمین خانه، زندگی بهتر، مدرسه، بهداشت، کار کمتر پاسخ مثبت داده شود و بر تمامه عملی برای برآوردن تدریجی همه این خواستها پیش کارگران و زحمتکشان گذاشته شود. بایستی برای آموزش، برای بهداشت، برای بالابردن فرهنگ اجتماعی اقدامات اساسی شود و نه آن کاری که امروز بعضی از دستگاههای دولتی میکنند، ما با کمال تأسف شاهد آن هستیم که اکثر کلاسهای مبارزه با بسوادیت تعطیل شده‌اند. در دورانی که ما خواستاران هستیم و ملت ایران میخواهد که برای آموزش خودش هر قدر که ممکن هست، بیشتر امکان داده شود و بیشتر کوشش بشود، تعداد زیادی از کلاسهای مبارزه با بسوادیت تعطیل شده‌اند. در ایران وضع بهداشت روز بروز بدتر از گذشته میشود. گرانی سرسام آور است و بگفته یکی از رهبران دولت، به حدود ۴۰٪ دارد میرسد.

زینبه زندگی از آغاز انقلاب تا کنون ۴۰٪ یعنی تقریباً ۱۵۰ برابر شده، و این دشمن عظیمی برای انقلاب ایران است. ما با کمال تأسف شاهد این هستیم که دستگاه دولتی هیچ اقدام موثری در برآوردن این خواستها و در حل کردن این مشکلات انجام نمیدهد. اینها هستند خواستهای مردم، و دستگاه دولتی مجبور است به این خواستها هر چه زودتر پاسخ قانع کننده بدهد، راه حل قانع کننده برای حل آنها مطرح کند، مردم را قانع کند، پشتیبانی مردم را برای انجام برنامه‌های انقلابی، که بایستی در پیش بگیرد، بدست آورد و بسا نیروی لایزال خلقی، تمام مشکلاتی را که در برابر انقلاب ایران است،

زینبه زندگی از آغاز انقلاب تا کنون ۴۰٪ یعنی تقریباً ۱۵۰ برابر شده، و این دشمن عظیمی برای انقلاب ایران است. ما با کمال تأسف شاهد این هستیم که دستگاه دولتی هیچ اقدام موثری در برآوردن این خواستها و در حل کردن این مشکلات انجام نمیدهد. اینها هستند خواستهای مردم، و دستگاه دولتی مجبور است به این خواستها هر چه زودتر پاسخ قانع کننده بدهد، راه حل قانع کننده برای حل آنها مطرح کند، مردم را قانع کند، پشتیبانی مردم را برای انجام برنامه‌های انقلابی، که بایستی در پیش بگیرد، بدست آورد و بسا نیروی لایزال خلقی، تمام مشکلاتی را که در برابر انقلاب ایران است،

توطئه امپریالیسم و صهیونیسم برای نایاب شدن دارو در ایران

چندین قلم از داروهای ضروری و حیاتی در ایران نایاب شده است. شرکت‌های بزرگ دارویی برای فروش دارو به ایران شرایط بسیار سختی گذاشته‌اند و تنها در ازای تحویل پول نقد دارو به ایران صادر می‌کنند. در حالی که شرکت‌های خارجی تولیدکننده دارو قبلاً در دسده‌های گذشته با صورتی بیش‌تر پرداخت دریافت می‌کردند و بقیه را در اقساط ۶ ماهه یا بیشتر می‌گرفتند. این روش معمول در مورد تمام قراردادهای تجاری رعایت می‌شد و منحصراً به خرید و فروش دارو نبود، اما حالا بعضی از شرکت‌های دارویی و تولیدکنندگان دیگر خارجی که وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم جهانی هستند و از انقلاب ایران ناراضی‌اند، برای فروش کالاها خود به کشور ما بهانه‌جویی می‌کنند و حتی قراردادهای بین‌المللی تجارت را نادیده می‌گیرند.

ولی این اشکال ناشی از کارشناسی‌ها و کارشناسی‌ها که تماماً بدست سیاست‌گران صهیونیسم انجام می‌گیرد، کمترین تأثیری در سیاست کتونی ایران نمی‌گذارد و حتی خشم مردم ما را نسبت به جهانخواهان صهیونیستی بیشتر می‌کند.

شرکت‌های تولیدکننده دارویی، که در گذشته برای فروش داروهای خود به ایران به رقابت برمی‌خاستند و به هر میانه‌دانی کتونی‌گلوئی متافیسارشان گرفتار شده، حاضر به فروش دارو به ایران نیستند.

(اطلاعات - ۱۸ مهر)

دانش آموز درس را از سیاست و مبارزه را از زندگی جدا نمی‌کند

انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان تربیت، طی اطلاعیه‌ای با اشاره به مبارزات آگاهانه و قهرمانانه دانش‌آموزان در میدان‌های نبرد علیه رژیم مغزوری پهلوی که دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا بود، خاطر نشان کرده‌اند:

شرکت‌های تولیدکننده داروهای خود به ایران به رقابت برمی‌خاستند و به هر میانه‌دانی کتونی‌گلوئی متافیسارشان گرفتار شده، حاضر به فروش دارو به ایران نیستند.

(اطلاعات - ۱۸ مهر)

در مطبوعات کشور

افزایش قیمت و تورم سراسر آورو

وزیر کار گفت: ... برای انقلاب و مشکلاتی که بعد از انقلاب داشته‌ایم، تولید داخلی خیلی تنزل کرده است، واردات نداشته‌ایم و اگر وضع به همین متوال پیش برود، در آینده با افزایش قیمت و تورم سراسر آورو مواجه خواهیم بود. بنا بر این نفع ملی ما در اینست که هر چه زودتر رابطه بین کارگر و کارفرما درست شود و امنیت اقتصادی برای وطن ما حاصل گردد.

(جمهوری اسلامی - ۱۹ مهر)

سیاست خارجی ایران انقلابی نبود

بنظر شما سیاست خارجی ایران، بعد از پیروزی انقلاب تاکنون، چه نقائص و چه کمبودهایی داشته است.

ج- همانطور که قبلاً عنوان شده است، سیاست خارجی دولت موقت ما بعد از پیروزی انقلاب، آنطوریکه انقلاب ایران تقاضا می‌کرد، انقلابی نبوده است. سیاست خارجی ایران می‌توانست انقلابی‌تر باشد. ایران می‌بایستی با موضع گیری‌های قاطع‌تر و روشن‌تری مخصوصاً در قبال مسائل فلسطین، لبنان و بقیه جاهایی که هیچ محضوری هم وجود نمی‌آورد، سیاست خارجی انقلابی‌تری را دنبال کند، که این امر می‌توانست اثر تبلیغاتی خوبی در کشورهای دیگر برای انقلاب ایران داشته باشد، که متأسفانه این امر انجام نشد.

س - دولت ایران تاکنون هیچ حمایت عملی از فلسطین نکرده است. بنظر شما دلیل این امر چه بوده است.

ج- دلیل این را باید از آن آقایانی که این سیاست را اتخاذ کرده‌اند، پرسید. ما معتقدیم که در مورد انقلاب فلسطین و مخصوصاً لبنان باید خیلی قاطع‌تر و روشن‌تر و انقلابی‌تر عمل می‌شد، که نشده است. حالا اینکه عمل نشد، دلیلش را باید از آنها پرسید.

(ابوشریف - فرسانه سیاه پاسداران - انقلاب اسلامی - ۱۸ مهر)

نطق فیدل کاسترو و در سازمان ملل



از این شماره، سخنرانی فیدل کاسترو، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست، رئیس شورای دولتی و شورای وزیران جمهوری کوبا در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ویدئو پخش منتهی می‌گردد.

فیدل کاسترو، رئیس کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتهم، که در هاوانا برگزار گردید، در جلسه نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خطاب به شرکت‌کنندگان در این اجلاس اظهار داشت:

«از مسائلی که اجلاس کتونی مجمع عمومی می‌آورد، آن‌ها بحث می‌کند، مسئله مربوط به استحکام مبانی صلح اهمیت ویژه‌ای دارد. جنبش کشورهای غیرمتهم، از بدو تشکیل خود، معتقد بوده و هست که اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز به محور اساسی روابط بین‌المللی تبدیل شود. کشورهای غیرمتهم به خوبی میدانند که دشمنان آنان در بعد تاریخی هستند، خطری که آنها را تهدید می‌کند از کجاست و چگونه باید با آن مبارزه کرد؟ و به همین علت، ما کشورهای غیرمتهم، در کنفرانس خود در هاوانا متفقاً به این نتیجه رسیدیم که خود مایهت‌سیاست کشورهای غیرمتهم طبق اصول اولیه و ویژگی‌های عمده آن، مبارزه بر ضد امپریالیسم، نژادپرستی، صهیونیسم و مبارزه علیه تمام اشکال تجاوز، مداخله و تسلط و یا برتری‌جویی کشور خارجی را ایجاب می‌کند.

کشورهای غیرمتهم همواره مسئله تشنج‌ناشی در روابط میان کشورها را از مسائل مهم و لازم تلقی کرده‌اند. این کشورها خلج سلاح و محدود کردن تسلیحات هسته‌ای را یکی از اهداف عمده مبارزات خود می‌شمرند و معتقدند که امضای قراردادها (محدود کردن سلاح‌های استراتژیک) اقدام مهمی است که می‌تواند راهگشای مذاکرات وسیع‌تری در آینده باشد که در نتیجه نهایی، به توافق‌هایی در مورد خلع سلاح همگانی و کاهش تشنج‌ناشی بقایای جهانی برسد.

کنفرانس کشورهای غیرمتهم در هاوانا، در مورد قاره آفریقا، مسئله محو کامل استعمار، نژادپرستی، تمییز نژادی و امحاء قومی و نژادی، ویژه در جنوب این قاره، از مسائل ضروری و مهم تشخیص‌ی داد. کشورهای غیرمتهم در کنفرانس خود تجاوز مسلحانه به خاک و ژانمیگ، زامبیا، آنگولا و بوسوانا و تلاش‌هایی را که در جهت ایجاد تشنج و بی‌ثباتی در این منطقه بکار برده می‌شود، محکوم کردند. در همه این تجاوزات و تحریکات، رژیم‌های نژادپرست رودزی و جمهوری آفریقای جنوبی نقش اصلی را ایفاء می‌کنند. زمانی که سران دول و کشورهای کشورهای غیرمتهم در کنفرانس هاوانا تصمیم گرفتند که دول غربی، و در درجه اول ایالات متحده آمریکا، را به علت حمایت و ترقیب سیاست و اقدامات جنایت‌بار رژیم‌های نژادپرست، با ذکر نام، نکوهش و محکوم کنند و در عین حال از نقش کشور های سوسیالیستی در پشتیبانی از مبارزات خلق‌های این قاره قدر دانایی نمایند، این امر را بهیچوجه نمیتوان بازتاب یک‌گسایش ایدئولوژیک از جانب سران این کشورها تلقی کرد، بلکه این بطور ساده بهان یک واقعت غور قابل انکار است.

از دیگر مسائل حاه بین-

رققای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشر در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، رابا استفاده از تمام امکانات، بوسیله سربین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم بسرسانید. در شرایط حساس کتونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

نوه امام خمینی: جنک تا تشکیل یک کشور فلسطین

خبر گزارهای جهان گزارش دادند که آقای سید حسین خمینی نوه امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، که سرگرم بازدید از جبهه‌های جنگ در لبنان است، پس از بازدید از ویرانه‌هایی که تجاوزگران اسرائیلی از خود در جنوب لبنان باقی گذاشته‌اند، اعلام داشت که مردم جنوب لبنان باید مسلح شوند و در شاندها فلسطینی‌ها بچکنند. این تهااراه حلی است که برای این منطقه باقی مانده است. وی، که هیاتسی از روحانیون ایرانی هم‌راهی است می‌کنند در اجتماع آراسا کتونی محلی «فتحا» در نزدیکی بندر تهر، واقع در جنوب لبنان، گفت: ما خود را از شما میدانیم و به هر فلسطینی‌ها خواهیم چکنید تا آنها بتوانند یک کشور مستقل داشته باشند.

این اظهارات از متعلق واقعی و انقلابی سرچشمه می‌کند و در جهت کتانی نیست که معتقدان جنوب لبنان از وجود برادران فلسطینی باید پاک شود، تا جنک در این منطقه خانه یابد.

کارگران ایستگاه گاز شیراز هنوز حداقل حقوق مصوبه وزارت کار را نگرفته‌اند

ده نفر از کارگران ایستگاه گاز شیراز خواهان دریافت حداقل دستمزد مصوبه وزارت کار هستند. این کارگران در دو ایستگاه گاز شیراز، که پیمانکار آن شخصی بنام «درشوری» است، مشغول کارند و بنا به اظهار خودشان در خارج از شهر و در شرایط سختی شبانه روز مشغول کارند.

این کارگران تا بحال حداقل دستمزد ماهیانه ۱۷۰۰ تومان را دریافت نکرده‌اند و در جواب اعتراضاتشان از مساون درشوری شنیده‌اند که: «همینه که هست. برید شکایت کنید».

این کارگران بابت شب‌کاری نیز ۳۰٪ اضافه حقوق را دریافت نمی‌کنند و در جواب اعتراضاتشان شنیده‌اند: «شب‌کاری باروز کاری فرقی ندارد».

یکی از کارگران می‌کند: «اگر دیروز این خواستارها را از شرکت داشتیم، انگشتها و پوست سرمان را می‌کنند، ولی امروز زیر بار نمی‌رویم».

کارگران خواستار رسیدگی فوری وزارت کار به اعمال غیر قانونی کارما هستند.

مرک جانگداز یک باقلا فروش

بیکاری که ارضیه شوم رژیم جبار و خونخوار پهلوی است، هر روز زندگی هزاران نفر از هموطنان زحمتکش ما را تهدید می‌کند و در بعضی موارد آنها را به کام مرگ و نیستی می‌فرستد. در نتیجه بیکاری مزمن، زحمتکشان به کارهای گوناگون از قبیل دست‌فروشی روی می‌آورند و از این طریق نان بخور و نمیر خانواده خویش را در می‌آورند. ولی این نان بخور و نمیر هم به آسانی بدست نمی‌آید. گاهی فروش نمی‌کنند، زمانی که می‌فروشند بعضی مواقع کار واجبی و یا احياناً بيمادری پیش می‌آید و کار می‌خواهد در این موقع خود و فرزندانشان می‌بایست گرسنه بخوابند. موقی هم حادثه‌های در خون فروشی پیش می‌آید و خانواده‌ای را بی‌سرپرست می‌گذارد. نمونه این حادثه، شب یکشنبه ۱۵ مهر ۵۸، در کنار باغ گلستان تبریز پیش آمد. جریان از قرار بود:

باقلا فروش جوانی (که حدود ۳۰-۳۲ سال داشت) همیشه بساط خود را روی چرت‌دستی کوچکتش، در نیش باغ گلستان می‌گسترده و احتیاجات خانواده را از این طریق بر آورده می‌کرد. وی هر شب کاری خود را به تهر برق می‌بست و به خانه مهربت شب یکشنبه مختصر بارانی باریده بود. در نتیجه تهر برق خیس شده و اتصال برق پیدا کرده بود. وقتی می‌خواست کاری را به تهر برق ببندد، دچار برق‌گرفتگی می‌شود و بعد از انتقال به بیمارستان می‌میرد. بطوریکه دوستان دست‌فروش دوره گردش می‌گفتند: وی چندبچه خردسال داشت و تنها از طریق فروش باقلا خرج آنها را در می‌آورد.

اخبار کارگری

اعتراض کارگران و پیشه‌وران صنف درب و پنجره‌ساز به احتکار پروفیل توسط سرمایه‌داران

کارگران و پیشه‌وران صنف درب و پنجره‌ساز، روز شنبه ۱۴ مهر، جلوی استانداری اجتماع کردند و ضمن اعتراض به نحوه تقسیم پروفیل اظهار می‌داشتند که سرمایه‌داران با خرید و انبار کردن و نقل و انتقال شبانه این کالا باعث نایاب شدن و بوجود آوردن بازار سیاه و بی‌ببذون مقدار هنگفتی سود غیر قانونی شده‌اند. این کارگران با تهیه شکایتی، که به امضاء جمعی از آنها رسیده بود، خواستار رسیدگی به نحوه توزیع پروفیل و اقدام مقتضی در مورد بازار کتان سودجوی فرست طلب شدند.

شرایط دشوار کار و زندگی کارگران «شرکت ملی طرح گازرسانی»

کارگران «شرکت ملی طرح گازرسانی» که در منطقه شمیران مشغول کندن کانالی برای عبور لوله گاز هستند ۱۰۳ نفر و همگی کرد هستند در بین آنان کارگر ۱۵۰۱۴ ساله هم وجود دارد. ساعت کار آنان از ساعت ۷ صبح الی ۸ غروب است، که در بین این ساعات، یک ساعت از ساعت ۱۲ الی ۱ بعد از ظهر استراحت می‌کنند. کار آنان بیشتر بصورت کتاری است، که بطور متوسط، کارگران نیرومند روزی ۸ تا ۱۰ متر کارگران نوجوان و کم‌سن روزی ۵ الی ۶ متر زمین حف می‌کنند و از قرار تری ۱۱۰ ریال به آنان مزد پرداخت می‌گردد. این کارگران هیچگونه مزایا، از قبیل مسکن یا حق مسکن، اضافه‌کاری، سرویس رفت و آمد و سالن غذاخوری و... ندارند.

کارگران این شرکت دلیل آمدن به تهران و ندادن به کاری واقعا مشکل (بخسوس برای کارگانی که با توجه به سن کم آنان، تحمل این قبیل کار سنگین را ندارند) و با درآمدی کم و بدون هیچ مزایا را، احتیاج شدید و وضع بد مالی توضیح می‌دهند. آنها از دولت موقت جمهوری اسلامی تقاضای رسیدگی به وضع دشوار خود را دارند.

کارگران شرکت مهک هنوز بیکارند

صبح روز ۷/۱۶ عده‌ای در حدود ۱۵۰ نفر از کارگران شرکت ساختمانی مهک، در مقابل اداره مرکزی این شرکت، واقع در خیابان طالقانی، جنب ویلا، اجتماع کردند. آنها که ۴ ماه است بیکارند، از اینکه هیچکس به خواستهای آنها رسیدگی نمی‌کند و مقامات مسئول به تقاضای آنها توجهی نکرده‌اند، شکایت می‌کردند. لازم به تذکر است که شرکت مهک در بسیاری از استانهای کشور نیز به کار مشغول بوده است و کارگران زیادی نیز، که برای این شرکت کار می‌کردند، اکنون در شهرت‌ها بیکارند. رسیدگی فوری به کار این شرکت، اولاً سرمایه عظیمی را که راکد مانده بیکارند از دست و ثانیاً گروه کثیری را که بیکار شده‌اند، به کار باز می‌گرداند.

